

در این شماره می خوانید :

۲ ... نفوذ یهود در نهاد نظامی مصر

واهبرد آمریکا؛ پشت پرده سفر هیئت ازبکی به خاورمیانه...۲

چه بسیار تفاوت است میان بنانه استانبول و فتوای بیشین!...۴

وابستگی به دولت‌های کافر استعمارگر؛ اراده را می‌ریاید، قطب‌نما را منحرف می‌کند و نیروها را به هدر می‌دهد...۴



فقیهه فلسطینی نه در تمکلی سازما است و نه میران قبیله‌ای؛ بلکه مسلم‌های است که به همه امت تعلقی دارد. مردم فلسطین در این حقی پیش از دیگر مسلمانان دارند، همه گونه که تکلیف در باره دوشی نامه مسلمانان است. این فقیهه، فقیهه دین و عقیده است؛ فقیهه سرزمینی مبارک است و هرگز با دولتی ناتوان در سنگال اشغال صل نخواهد شد، بلکه به دست مومنان راستین از امت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از می شود؛ آنکه بار دیگر همچون گذشته کل آرام و جغرافیای فیروزان آن خواهد شد و به کانون اسلام بدل خواهد گشت، چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بدان یشارت داده است.

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

جہار شنبہ ۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۷ھ ق، ۷ ستمبر ۲۰۲۵ء م، ۱۹ شہریور ۱۴۰۴ء ش

مقاله برگزیده

وحدت امت و مفهوم جماعت

شيخ عدنا مزيان

بسیاری می‌پرسند آیا امت اسلام امروز یک امت واحد است یا امت‌هایی پراکنده؟ و اگر امت واحد است، پس این تفرقه و پراکندگی در مواضع نسبت به مسائل سرنوشت‌ساز چگونه تفسیر می‌شود، به‌ویژه در برابر دشمنانش که هر روز بی‌رحمانه خون فرزندان را می‌ریزند؟

دقیقتر این است که مسلمانان یکا واحد چدا از دیگر مردمان بودند و هستند و قواهند بود؛ چنانکه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) در «صحیفه مدینه» نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم، این استخوانهای استخوانی است که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و فوتماتن و مسلمانان از قریش و یثرب و هر کس که به آنجا میبویند و هوارشان چدا کند؛ بیکانها امتی یکیکانند چدا دیگر مردمان... و آشتی و فوتماتن یکا است و هه فوتمن چدا جنگ در راه الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بدون فوتمن دیگر صلاح نیست. مگر آنکه به پناه برایی و عدالت در میان آنان باشد» چدا دیگر بیزید امت اسلامی است واحد بوده و هستند و قواهند بود و دختدر شد و دختدر است و هر کس بر آن پناه برد، یعنی اسلام؛ و شریعت. پس هر کس فوتمت اسلام را در فوتمن کشد و به شریعت آن را فراموشد، جزئی این امت واحد است.

والله سبحانه وتعالى مسلمانیان را از بیرون رفتن از دین اسلام و پیروی راه‌هایی جز راه اسلام فرج‌رذر داشته و فرموده است: «وَأَنْ هَذَا مِرْطَايُ فِلسْتِيفِيَا فَاتَّبِعُوهُ وَآتِيبِغُوا السَّبِيلَ فَتَقْرُقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَضَامِكُمْ عَلَافِكُمْ تَتَّقُونَ» و «این است راه راست من، پس آن را پیروی کنید و راه‌های دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه راست دور بدارد». این چیزی است که شما را از پناهنده شدن فرج‌رذر، بپوشد. این پیرنگ‌کار شود.

[illegible][illegible]

استراتژی آمریکا و راه حل دو دولت

عالم گرانقدر عطا بن خلیل ابو الرشته



سوال: می‌دانیم که استراتژی آمریکا دربارهٔ تثبیت رژیم سعودی در قلب شبه‌جزیره‌ای اسلامی بیشتر اوقات بر پایهٔ راه‌حل و دولت استوار بوده است اما در دوران ترس‌های این موضوع رو به عقب‌نشینی رفت یا نه؟

جواب: شکست سکوتی دربارهٔ آن شد، به‌گونه‌ای که آن را به حل پرسش تبدیل کرد، برای نمونه، ترامپ گفت: «وقتی به نقشهٔ خرابیه‌ها نگاه می‌کنم، اسرائیل قطعی‌ترین سوچ است. در حقیقت گفتم آن را (به عنوان راه‌حل برای به دست آوردن شبه‌جزیره‌ای اسرائیل هست) آن بسیار سوچ است.» (اسکای نیوز ۱۱/۲۰۲۱، ۲۰۲۱/۱۱/۲۰۲۱).

آیا این بدان معناست که پروژه آمریکا برای راه‌حل و دولت مرده و پایان یافته است یا همچنان باقی است؟

اسپیکلگرم:

یاسنج، یار و شهنشاهن یاسنج، به نکت زین اشاره می‌کنیم؛
 - در سال ۱۹۰۹ و در پایان دوران آنتونیو، آفریقا برپوش خود
 به واسطه دولت پدیدرفته که آنجا را چونین خاضه
 قلمداد می‌کرد، به یاری یهود و خلق آن سربازان یهودینی برای
 فرستادن در کنار آن... (سپس می‌خوانیم: منتقد، به‌ویژه
 رابرت زمری، آغاز به اجرای یهود گردند و به هم منظر
 سازمان آرمی، فیلسوف تئیسیم؛ اما در میان اینها
 ادغام است: اما این یهود چنانکه بر غزه و در مرزهای سیدیه به راه

۱- سپس آمریکا به سه شالی‌رو آورد و به زیرمیزی
 دولت دستور داد تا لبنان را در ۱۹۶۲ اشغال کند. این
 «پولیان» که در پی پیش گرفتن «مباراه هاشمند» «دولت سکولار»
 بودند، از این سنجیمان دست‌ان را درازید.

۲- همه این‌ها در زمانی بود که کرانه باختری زیر سلطه اردن
 و کره زیر سلطه عرب بود. اما وقتی کرانه باختری و غزه در
 فلسطین عربی و سینا و فلسطین یهودی در جنگ نامشایی نبود،
 در ۱۹۴۷ به سلطه برپایه عرب درآمد. دیگر سخن به زیرمیزی
 دولت فلسطینی نبود، که در دربارۀ پیشگیری زیرمیزی بود
 از این مناطق فلسطین بر اساس قطعنامه ۲۴۲ سازمان امنیت
 ش. ا. م. برای آمریکا بود. فلسطین از لبنان کشافت شد
 اما مسامراتی راچیک تحریکی از آغاز کرد تا در سال ۱۹۷۲
 به حرکت درآید. اینگونه بود که جنگ اکبر سال ۱۹۷۳ در
 داد تا فرایند صلح به جریان بيفتد و رژیم عرب به ریاست

هیئتی از حزب التحریر/ ولایت سودان با رئیس حزب عدالت در سودان دیدار کرد

[illegible]

طرحی که دولت‌های استعمارگر پشت آن ایستاده‌اند و بر پایه پیگیری روی داده‌ها دریافت‌ه بوده که این جنگ شعله‌ور خواهد شد.

در شرایط هجوم دولتی‌ها علیه پیرامون رزمین مبارز فلسطین برای دستنبرد طغیان‌ها حاضر بر اهل آن و در هم شکستنشان و وارد گردنشان به تن سربازین و هم‌سنگ‌زدن آن بی‌پهلو، بل گراهم به تیرک اسلحه اصلی زندگی برای مردم فلسطین به سوزی جهان خارج تجرید شده است؛ اما این گذرگاه که باید وسیله‌ای برای جابه‌جایی باشد، به منتهی برای تنج روزانه مسافران شده است؛ ادویه و دارو و دست‌آوردی گاهی که عموماً استانی، اזורی و سوبانی به هم کرده می‌فروشد و محتاجی‌های سخت می‌فریفتد.

در پیانه میوهاتی «قدر میوهات زحمت‌ترا» ولایت اردن» بر این موضوع تصریح کرده در این ده ساعت آمده است: سفر عبور در طرف پله‌ها به ساعتها طول می‌انجامد و گاهی به بیش از ده ساعت می‌رسد. آن‌هم در شرایطی که در حداقل زمان انسانی چیزی نیست. مسافران، با پیرامون و زمان رنج ضاعفی می‌کشند؛ چرا که به منتهی حسی هست و نه‌کمان‌های متاسب برای انتظار، راحت، درناکی که گرمای شدید تابستان و سرمای سراسر زمستان بر دشواری این تجربه بی‌مسافران می‌افزاید.

پایینه افروزد، آنچه ضعیف‌تر بدتر کرده، این است که مقامات اردنی اخیراً نظام برادر خود را از طریق دفاتر سفارت خاص برای برقرار کردنه، به‌رغم عدم آگاهی کاشی از احجام و ساماندهی حرکت، اما با اوقیت نشان داد که این نظام به وسیله‌ای برای انحصار و فساد و فشار بر متزکیان تبدیل شده است؛ حکومتی که گرفتن نوبت تزکیای برای مسافر عالی‌نشینان و برای راه را برای بازیهای و تالان بیت‌المال به کلیه از وابستگان به دولت و موشه‌گرگان خود بل می‌سهند. کشوده است. مسافران شکایت می‌کنند که این دالان با همکاری برخی دفاتر، بلیت‌ها را می‌فروشد و سپس آن‌ها را با قیمتهای گزافه‌تر می‌فروشد. این کار به پای مقامات، روحانادهای فلسطینی تبدیل شده که تجارتی دمالی گزافی برای گرفتن نوبت فوقی برپا دارند؛ اما که فوطهای برنامه‌ریزی شده را آشکار می‌سازد و باب فساد و باجگیری می‌کشاید، علاوه بر آنکه پرده از همدستی نظامی اردن با رژیم یهود در روند فشار بر اهل فلسطین و کوچاندن اجباری آنان برای راهی از جنم سفری سوزن‌بین متزکیان برپا دارد.

در ادامه حیات آمده است: اقرون بر بازار سیاه، نظرا برادریان شکرکار بعضی را تقویت کرده است. اما در برابر مبالغه باقی که گاه از ده مینار به بیرون رفته رفته می‌رود، خدمات ویژه‌ای دریافت می‌کند. از قبیل ذرات سرخ از صفوف، گواشتان شیرینات و جامه‌ایی با اتویس‌های مجیز به تنه‌ی مطوع. این خدمت عبور از پل را به معنای طباطبائی تبدیل کرده است. کسی که پول دارد سرخ می‌گذرد و کسی که ندارد در صفهای طواری ایستاده می‌ماند. بهرمنشانی اصلی از این فعالیت غالب از دولت ایران همکار به پیوند هستند در دستار مردم و پیاول او نشان دست دارند و آن را میان خود تقسیم می‌کنند.

باینه تأکید کرد: موضوع فقط به ازدحام و فساد محدود نمی‌شود، بلکه از آن فراتر رفته و به بُعد روانی و سیاسی عمیق کشیده شده است؛ زیرا رنج برای پول در نگاه فلسطینیان همون رنج فلسطین‌زبانان بوده می‌شود و بیامی فرسودگی است که رفقا و دشمنان آزاد نیست و سرفرازان مشروط به توان مالی یا تحمل شش‌هائی توانایی است. بجای آنکه پول وسیله‌ای برای پیوند باشد، به تعادی از فقدان رنگ و شکاف طبقاتی بدل شده است.

باینیسه طوفانی در پایان چنین جمعیتی کرد.
کسی که به حال اهل می‌نگرد، خلاصه طوفانی را
می‌بیند که به‌دود همراه با ابزارهای اجرایی خود
تشکیلات خودگردان خود را می‌سازد و در حال
تدارک آن هستند. با هدف فشار بر اهل فلسطین
و در هم شکستن اشتقاق و عزیمت آن به ترک
سبزمین مبارک و اراضی ساقط آن سبزمین برای خود
با کرد گرد و نظام اردن همچنان کجیگان وفادار آنان در
طوایف‌ترین روستا باقی می‌ماند. درازی تشکیلات
خودگردان فلسطین همچون جاسوس و جاسوسی امنیتی
به‌دود در برابر باقیمانندگان اهل فلسطین عمل
می‌کند.

نفوذ یهود در نهاد نظامی مصر

استاد سعید فضل

نظرات علمی

خودسپسی در سال ۲۰۱۶ گفت: «صلح با اسرائیل پایدار و ماندگار است و بر همه لازم است که اعتماد به آن را تقویت کنند». بدین گونه، مرزها با یهود به امن ترین جبهه برای او تبدیل شد، درحالی که ارتش به جنگ با فرزندان امت در سینا، لیبی و سودان سوق داده شد. زیر عنوان مبارزه با تروریسم، این دگرگونی در عقیده جز با وجود نفوذ کامل در ذهنیت نظامی مصر قابل تفسیر نیست.

نفوذ یهود در نهاد نظامی مصر نه تصادفی بود و نه صرفاً رابطی گذرا؛ بلکه نتیجه سیاستی حساب شده بود که با معاهدات تسلیم آغاز شد، با وابستگی نظامی به آمریکا و هماهنگی های امنیتی و اطلاعاتی ادامه یافت، با نفوذ اقتصادی تعمیق شد و سرانجام به خصوصی سازی شرکت های ارتش از راه مشارکت با ریشه در رژیم یهود رسید و این همه تنها ماهیت ارتش را دگرگون نداشت، بلکه جایگاه مصر را در معادله امت نیز تغییر داد.

ای مردم سرزمین کثانه! آنچه از تسلیم زمین به دشمن از رهگذر معاهدات و گرگوان گرفتن تصمیم نظامی و اقتصادی به دست آمریکا و گشودن درهای هماهنگی امنیتی با یهود و آگاه ساختن آنان از ثروت های مسلمانان و اسرار نهادهایشان از راه شرکت های مشاوره ای شان روی می دهد، همه از جمله کارهایی است که شرع انجام آن را حرام کرده، بلکه آن را خیانتی به الله سبحانه و تعالی و به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و به مؤمنان قرار داده است. الله سبحانه و تعالی ما را فرمان داده است که در برابر دشمنان خود نترسیم، بیایم، آنان را اولیا، و محرم اسرار بگیریم و ثروت های امت و امانت آن را پاس داریم؛ پس نه آن را به دشمن اشغالگر تسلیم کنیم و نه او را بر گردن مسلمانان مسلط گردانیم. آنچه امروز در جریان است، همان چیزی است که الله سبحانه و تعالی از آن نپی کرده و نسبت به آن هشدار داده است و این سیاست ها همه حرامی است از نظر اسلام، بلکه از بزرگترین نمونه های فحشاء و خیانت؛ زیرا معنایش رها کردن واجب جهاد و توانمند ساختن دشمن و باری رساندن به او برای ماندن در سرزمین مسلمانان است، درحالی که اصل آن است که آن را با وجود دشمنان خود از پلیدی اش پاک گرد.

از این رو بر شما، ای مردم مصر، ملت و ارتش، واجب است که خطر آنچه بر سر ارتش و کشورتان می رود دریابید و یکمدا در برابر این نفوذ باسپید، ولفیه شما سکوت و تسلیم نیست، بلکه آن است که صدا را بلند کنید و برای لغو این معاهدات باطل که دشمن را در امان گذاشته و شما را در بند کرده و برای بازگرداندن ارتش به عقیده اصیل اسلامی اش، تلاش نمایید؛ عقیده ای که بر آن است که قتال با یهود فریضه است؛ اختیار تا آزادی کامل فلسطین و رهایی تصمیم سیاسی و نظامی و اقتصادی از وابستگی به آمریکا و غرب و بستن همه درهای نفوذ یهود به شرکت های مرتبط با دشمن و بازگرداندن منابع امت به جایگاه درست آن.

ای مردم سرزمین کثانه! اسلام بر شما واجب می کند که در برابر ارتش خود باسپید تا او را به جایگاه حقیقی اش بازگردانید؛ ارتش امت که در راه الله سبحانه و تعالی می جنگد، نه ارتشی که با تصمیمات دشمن یا بر پایه منافع او اداره شود و بداند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و شما را به سرانجام نبرد با یهود بشارت داده و فرموده است: «با یهود می جنگید و آنان را می کشید تا آنجا که سنگ خواهد گفت، ای مسلمانان! این یهودی پشت سر من است، پس بیا و او را بکش».

پس این است بشارت شما و این است راه شما و این است فرض شما؛ پس به سفره های ذلت و وعده های کافران ننگرید. راه عزت یکی است؛ آنکه بر پایه اسلام برخورد، سلطه مستقل خود را برپا دارید و ارتش تان را بازگردانید تا شمشیری در برابر دشمن باشد، نه دیواری که او را پاسداری کند.

جوانان حزب التحریر در العیاسیه قتل، طرح آمریکا برای جداسازی دارفور را ناکام گذاشتند

در چارچوب کارزاری که حزب التحریر/ ولایت سودان برای افشا، نقشه تجزیه سودان با جداسازی اقلیم دارفور سازمان می دهد و با توجه به اینکه وحدت امت مسئله ای سرنوشت ساز است که باید درباره آن تصمیم «زندگی یا مرگ» گرفت، جوانان حزب التحریر در منطقه العیاسیه نقلی، روز جمعه ۷ ربیع الاول ۱۴۴۷ هـ، برابر با ۲۵/۸/۲۰۲۵ م، پس از نماز جمعه در مسجد شریفی یحیی برای حفظ قرآن کریم، ندایی پرشور به مسلمانان تا همه اقشار از مسلمانان، رستاده ها، علما، افسران و سربازان و دیگران خطاب کردند و آنان را به انجام وظیفه شرعی خود در قبال جلوگیری از جدایی دارفور فراخواندند.

این ندا را استاد عبدالرحیم عبداللّه، عضو حزب التحریر، در میان جمع بزرگی از نمازگزاران قرانت کرد، درحالی که برخی از جوانان حزب در سمت راست و چپ او ایستاده بودند و پلاکاردهایی در دست داشتند که بر طرد جدایی و تمسک به ریشمان الله سبحانه و تعالی دعوت می کرد.

خاضران با این ندا واکنشی پرشور نشان دادند و در دعاهایشان برای جوانان حزب خواستار شدند که الله سبحانه و تعالی اجر آنان را ثابت بدارد و در تلاش هایشان برکت نهد.

از زمانی که رژیم مصر در سال ۱۹۷۹ معاهده کمپ دیوید را امضا کرد، نهاد نظامی این کشور وارد مسیر از وابستگی و نفوذ شد که آن را از عقیده اصلی اش یعنی حفاظت از امت و دفاع از مرزها در برابر دشمنان حقیقی، در راستایان یهودیانی که فلسطین را غصب کرده اند، دور ساخت. این نهاد اندک اندک به ابزاری مقید و تابع شروط دشمن تبدیل شد، بلکه حتی در تأمین امنیت و تقویت او نیز مشارکت کرد، از راه توافق نامه های نظامی، امنیتی، اقتصادی و مشورتی که مجموعه ای یکپارچه از نفوذ یهود در ارتش و دولت شکل داد.

ایستگاه مرکزی در این روند، توافق نامه کمپ دیوید بود که بر تقسیم سینا به مناطق نظامی تصریح کرد؛ مناطقی که در آن شمار سربازان و نوع سلاح زیر نظارت بین المللی تعیین می شود. به این ترتیب، سینا از حضور نظامی واقعی توانمند برای قباله با دشمنی غدار و کمین کرده خالی شد و نیروهای چندملیتی به چشم باز کانون اشغالگر و آمریکا تبدیل شدند. این توافق نامه مرزهای شرقی مصر را به جبهه های امن برای یهود بدل کرد، پس از آنکه پیش تر تهدیدی دائمی برای سود و این، جوهره نفوذ بود.

ماجرای به مرزهای معاهده محدود نماند؛ آمریکا که به شرط آنکه سلاحی برهم زننده موازنه با یهود در اختیار نداشته باشد و همواره به قطعات بدکی، آموزش و پشتیبانی لجستیکی آمریکا نیازمند بماند، این ترتیب ارتش را گرگوان آمریکا ساخت و در نتیجه در برابر یهود نیز بی پناه کرد. عقیده نظامی ارتش نیز با تمرین های مشترکی همچون «ستاره درخشان» دگرگون شد، به گونه ای که تروریسم آن گونه که غرب تعریف می کند، یعنی اسلام در حقیقت خویش، به عنوان دشمن معرفی شد، نه یهود و نه کانون غاصب او. این بزرگترین تغییر راهبردی در وجودان ارتشی بود که پیش تر «ارتش امت و سیر آن» خوانده می شد.

با گذر زمان، کانال های ارتباط مستقیم میان دستگاه اطلاعاتی مصر و موساد گشوده شد، به بهانه «هماهنگی امنیتی» در سینا و غزه، رسانه های غربی، از جمله نیویورک تایمز، اعلان کردند که هواپیماهای یهود اشغالگر میان سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ صدها حمله در داخل سینا با موفقیت و هماهنگی کامل مصر انجام دادند؛ یعنی ارتش مصر نه تنها دیگر از سرزمین خود دفاع نمی کرد، بلکه به یهود نیز اجازه داد آسمان مصر را علیه کسانی به کار گیرد که آنان را «تروریست» می نامند؛ حال آنکه آنان در حقیقت مسلمانانی بودند که سلطه غرب و وجود کانون غاصب را رد می کردند.

ارتش مصر در نقش اقتصادی خود وارد شرکت های آشکار یا غیرمستقیم با شرکت های مرتبط با یهود شد، به ویژه در بخش انرژی و گاز. در سال ۲۰۱۸، مصر توافق نامه ای با شرکت های یهود امضا کرد تا گاز به پایانه های مایع سازی مصر منتقل و دوباره صادر شود؛ توافقی که رسانه های غربی آن را «توافق قرن» نامیدند و آن را منفذی راهبردی برای بازارهای گاز دانستند. ارتش نیز از این روند دور نبود، زیرا شرکت های وابسته به آن با فعالیت های مایع سازی و حمل و نقلی درآمیختند؛ معنایش این است که نهادی نظامی که میبایست شرکت های امت را پاسداری کند، به شریک در تقویت غاصبان یهودی بدل شد. خطرناکتر در این مرحله، گشوده شدن پروژه خصوصی سازی خود شرکت های ارتش بود؛ شرکت هایی مانند «الوطنیه للبترون»، «صافی»، «سایلو فودز» و «شیل اول»، مصر برای نظارت بر فرایند بازسازی و عرضه سهام، از دفاتر مشاوره جهانی همچون PWC و دیگران کمک گرفت؛ ضمن شرکت های که شعب فعالی در رژیم یهود دارند و خدمات مالی و مشورتی به او ارائه می دهند، حتی مستقیم خود دولت یهود. بدین سان، دشمن بر جزئیات مالی و ساختاری شرکت های ارتش آگاه شد؛ رخدادی بی سابقه که در اوج اشغال مستقیم؛ بنابراین، نفوذ دیگر تنها در عقیده و تسلیح نبود، بلکه به ساختار اقتصادی داخلی نهاد نظامی نیز رسید.

از دوران سادات تا زمان سیسی، گفتمان ارتش و رسانه رسمی تغییر یافت و دولت یهود دیگر دشمن معرفی نشد، بلکه شریکی در حفظ امنیت قلمداد شد.

راهبرد آمریکا؛ پشت پرده سفر هیئت ازبکی به خاورمیانه

استاد عبد العزیز الازربکی

مناطق منفعتی ازبکستان به سرمایه گذاران بزرگی همچون گروه سپیل بهوان، شرکت امپی هولدینگ و بانک مхарارانه شد. با توجه به اینکه عمان نقطه دسترسی به اقیانوس هند و منطقه ای است که غرب سال های طولانی بر مسیرهای حمل و نقل آن مسلط بوده، این امر فرصتی برای آمریکا فراهم می آورد تا منابع آسیای میانه را از طریق کانال های ویژه خود به بازارهای جهانی هدایت کند.

بخش های بزرگزار شده با قطر گسترده بود. در مذاکرات با امیر قطر «تمیم بن حمد آل ثانی» و نخست وزیر «محمد بن عبدالرحمن» موضوعات تجارت، سرمایه گذاری، آموزش و تبادل فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. مهم ترین رویداد، برگزاری نخستین نشست شورای هماهنگی همکاری راهبردی میان دو کشور بود که این گام به عنوان تجسم عملی «توافق شرکات راهبردی» امضا شده در سال ۲۰۱۴ تفسیر شد. افزون بر این، یادداشت تفاهمی برای سرمایه گذاری با شرکت تعدین قطر امضا گردید و راه همکاری در بخش دفاعی نیز گشوده شد. این تفاهم های دفاعی با قطر نشان می دهد که آمریکا در حال آماده سازی برای ساختار امنیتی جدیدی در آسیای میانه به عنوان جایگزین ساختار امنیتی منطقه ای روسیه است. افزون بر آن، هرچند آمریکا از افغانستان خارج شده است، این امر به بازگویی ازبکستان به عنوان یک «واسطه منطقه ای» اصلی برای حفظ نفوذ خود در منطقه نیز ارتباط دارد.

از خلال سفرهای هیئت ازبکی به بحرین و قطر و نشست عمان، گسترش نفوذ خود در آسیای میانه از طریق خاورمیانه و دستیابی به کنترل منابع و چندجبهه های ژئوپلیتیک، کاملاً آشکار شد. این امر به گونه خود با طرح آمریکا برای سازمان دهی منطقه خاورمیانه و آسیای میانه به چارچوبی ژئواستراتژیک واحد، در قالب «توافقات ابراهیم» هم خوانی دارد. به عبارت دیگر، تضمین امنیت رژیم یهود در سراسر منطقه اسلامی، پیوند دادن ثروت های خلیج و منابع دریای خزر در یک زنجیره ژئوپلیتیک واحد، تشکیل یکمربعی ژئوپلیتیک از آسیای میانه و خاورمیانه تا غرب و تضعیف قدرت چین و روسیه، همه بخشی از این راهبرد است.

آمریکا که با باری رژیم یهود و هند، بیامان به اسلام و مسلمانان در غزه و کرانه باختری و کشمیر فریب می زند، همچنان به ساختن هندسه جهانی طبق خواست خود و با کمک نظام های موجود در سرزمین های اسلامی ادامه می دهد. منطقه خاورمیانه و آسیای میانه، به ویژه ازبکستان، در این زمینه با آژوئی سرنوشت ساز روبه روست. تنها نیرویی که بر کفر، یعنی آمریکا را از یورش به مقدسات و ناموس و کشورها بازدارد، با بازخواهد داشت، خلافت راشده ثانی بر منبج نبوت است، پس رهایی ما جز با اجرای کامل احکام الهی در زندگی تقص نخواهد یافت؛ «ولله العزة و لولله العزة و لولله العزة و لولله العزة» و «عزت از آن الله سبحانه و تعالی و رسول او صلی الله علیه و آله وسلم و مؤمنان است، ولی منافقان نمی دانند».

آمریکا از نسل کشی در غزه پشتیبانی می کند و ازبکستان را به عنوان شریک امنیتی وارد می سازد!

در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۲۵، شوکت میزیایف رئیس جمهور ازبکستان، پاولو زامبولی فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور شرکات جهانی را به حضور پذیرفت. بنا بر بیانیه مطبوعاتی دفتر ریاست جمهوری؛ در این دیدار روابط شرکات راهبردی میان ازبکستان و آمریکا و گسترش همکاری های چندجانبه مورد بحث قرار گرفت.

دفتر رسانه ای حزب التحریر در ازبکستان در بیانیه ای مطبوعاتی اعلام کرد: آمریکا الگوی همکاری اقتصادی را از طریق نهادهای وابسته به خود مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، موسسه مالی بین المللی و شرکت های مالی پیاده می کند. سرمایه گذاری از رهگذر این نهادها به فعال شدن مکانیزم فشار سیاسی از راه فشار بدهی ها در آینده منجر می شود؛ بنابراین اقتصاد کشور و سرمایه های سیاسی آن زیر سیطره واشنگتن قرار خواهد گرفت. شاهد روشن این امر آن است که بدهی عمومی ازبکستان از ۷۰ میلیارد دلار فراتر رفته و بار بدهی ها و مالیات ها بر دوش مردم سنگین تر می شود. آمریکا همچنین «همکاری» در بخش امنیتی را عرضه می کند؛ اما پرسش این است: آمریکا کجا امنیت ایجاد کرده است؟! در عراق با افغانستان یا لیبی؟! در سایه شعار دفاع از دموکراسی، خون شمار عظیمی از بی گناهان در این کشورها طی دهها ریخته شد و شهرها و روستاها ویران گشت و امروز در غزه، آمریکا این نسل کشی تاریخی را رهایی می کند، با پشتیبانی نیرومند از رژیم یهود غاصب که هر روز ده ها کودک و زن را می کشد. پس بی گمان شعارهایی که آمریکا برمی افرازد مانند «مبارزه با تروریسم» و «همکاری امنیتی» چیزی جز پوششی برای وارد کردن دستگا های اطلاعاتی اش به کشور، سیطره بر روندهای داخلی و راهبردی برای تضمین امنیت خودش نه امنیت ازبکستان نیست.

در فاصله ۱۹ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۵، هیئت ازبکی به ریاست بختیار سعیدوف، وزیر خارجه ازبکستان، سفری رسمی به بحرین، قطر و سلطنت عمان انجام داد. در اظهارات رسمی تأکید شد که این دیدارها با هدف گسترش همکاری اقتصادی، جذب سرمایه گذاری و توسعه روابط فرهنگی صورت می گیرد؛ اما پنهان ماندن جزئیات، بر وجود اهداف بزرگ ژئوپلیتیک در پس این سفر دلالت دارد؛ زیرا قطر و بحرین و عمان برای آمریکا و بریتانیا اهمیتی فوق العاده دارند، نه تنها از نظر انرژی، بلکه از بعد بزرگ ژئوپلیتیک در پس این سفر دلالت دارد؛ زیرا قطر و بحرین و عمان برای آمریکا و بریتانیا اهمیتی فوق العاده دارند، نه تنها از نظر انرژی، بلکه از بعد بزرگ ژئوپلیتیک.

در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی فرماندهی مرکزی ایالات متحده، یعنی پایگاه هوایی «العیدید»، قرار دارد؛ پایگاهی که مرکز عملیات نظامی آمریکا در سراسر خاورمیانه، افغانستان و حتی اقیانوس هند به شمار می آید.

اما بریتانیا نیز پایگاه هوایی دائمی در قطر دارد و شریک این کشور در تمرین های مشترک نظامی و فروش سلاح به شمار می رود.

افزون بر این، قطر بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی مایع در جهان است. شرکت های آمریکایی، بریتانیایی مانند اکسون موبیل (ExxonMobil)، شل (Shell) و بی پی (BP) سرمایه گذاران راهبردی در بخش گاز قطر محسوب می شوند. همچنین «موسسه سرمایه گذاری قطر» (QIA) دارای دارایی های عظیمی در مرکز مالی لندن و بازار است.

اما در بحرین که در سال ۲۰۲۰ «توافق ابراهیم» را امضا کرد، مقر ناوگان پنجم آمریکا قرار دارد که راه های نفتی خلیج فارس و دریای عرب را زیر نظر دارد؛ امری بسیار حیاتی برای امنیت انرژی و در سال ۲۰۱۸، بریتانیا نیز نخستین پایگاه نظامی دائمی خود در منطقه را در بحرین گشود. از این رو بحرین در منطقه به عنوان «دژ نظامی» غرب به شمار می آید. اما عمان در ساحل جنوبی تنگه هرمز واقع است؛ گذرگاهی که ۲۰ درصد نفت و گاز جهان از آن عبور می کند. آمریکا و بریتانیا بر این آبراه های بین المللی تسلط به سطره دارند. افزون بر آن، عمان ذخایر عظیم گاز و نفت در اختیار دارد و بندر «ذقم» یک مرکز بزرگ لجستیکی و پتروشیمی است که مستقیماً به اقیانوس هند مشرف بوده و از اهمیت راهبردی برای آمریکا و بریتانیا برخوردار است.

به طور کلی، این سه کشور خلیجی در امتداد خلیج فارس و اقیانوس هند ستون های اصلی منبذسی نظامی انرژی آمریکا و بریتانیا به شمار می آیند و همچون پایه های حمایتی برای تضمین امنیت رژیم یهود جایگزین عمل می کنند. در جریان سفر به بحرین، بختیار سعیدوف و مشاورش «منیره امینوف» مذاکراتی با شرکت های بزرگ انجام دادند. در این گفت و گوها درباره ایجاد پروژه های مشترک در حوزه شیمی کشاورزی با شرکت GPIC و همکاری با شرکت آلومینیوم Alba بحث شد. پشت این شرکت ها منافع سرمایه گذاری آمریکا و بریتانیا نهفته است. آمریکا می گوشتد از طریق پروژه های GPIC و Alba، ازبکستان را به زنجیره جهانی پیوند دهد و بر منابع انرژی و منابع تجدیدپذیر آن سیطره پیدا کند.

اما در مذاکرات مسقط، امتیازات و تضمین هایی در

